

روز جهانی زن و قتل‌های

ناموسی

گفتگو با حمید تقوایی

۳ اسفند ۱۴۰۰ - ۲۳ فوریه ۲۰۲۲

مندرچ در انترناسیونال ۹۱۶

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

خلیل کیوان: در هفته های گذشته چند قتل ناموسی رخ داد که با شدت کم سابقه ای بی حقوقی زنان را از زوایای مختلف در مرکز توجه قرار داد. در آستانه برگزاری ۸ مارس روز جهانی زن هستیم، به این مناسبت از دریچه قتل‌های ناموسی مساله زن را در برنامه امروز پاسخ زیر ذره بین قرار می‌دهیم.

در ایران جنگی بر علیه زنان در جریان است. دامنه اجحافات و بی حقوقی های زنان گسترده است، قتل ناموسی فقط یکی از مظاهر این بی حقوقی هاست. در هفته اخیر شاهد قتل فاطمه صامتی و طاهره شفیعی در کرمانشاه و ایلام بودیم. زنانی که توسط مردان خانواده کشته شدند. قبل از آن در اهواز هم قتل هولناکی روی

داد. شوهر مونا حیدری سر بریده همسرش
را در شهر میچرخاند و فریاد میزد که من بی
ناموس نیستم.

این قتلها نوک کوه قتل‌های بیشماری است که
در ایران رخ میدهد. مهراب صادق نیا عضو
هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب، میگوید
که قتل‌های ناموسی در ایران پنجاه درصد
قتل‌های خانوادگی و بیست درصد کل قتل‌های
کشور است. برخی از مطالعات هم میگوید که
سالانه حدودا چهارصد و پنجاه تا پانصد و
پنجاه قتل ناموسی در ایران رخ میدهد. مقصر
چه کسی است؟ قاتل، فرهنگ جامعه، سنتها
و یا خود جمهوری اسلامی؟

حمید تقوایی: اولین نکته این است که این جنایتها در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی اتفاق میافتد. ما قبل از این رژیم چنین مساله ای نداشتیم و اگر بود خیلی فرعی و حاشیه ای بود، الان تبدیل شده است به یک امر رایج در جامعه. آماری که ذکر کردید واقعا تکان دهنده است. بطور متوسط ماهی چهار تا پنج زن به خاطر مسائل باصطلاح ناموسی به قتل میرسند. تازه این فقط آمار رسمی و ثبت شده است. ابعاد واقعی قتل‌های ناموسی بسیار بیشتر است. خوب این از کجا میآید؟ اساس مساله جمهوری اسلامی است. حکومت زن ستیزی که در همه جنبه ها از نظر اخلاقیات مذهبی، از نظر فرهنگ اسلامی که فرهنگ رسمی حکومت است و مدام در جامعه پمپاژ میشود،

از نظر قوانین شرعی و مقدسات و آیات قرآنی و غیره، از هر نظر زن را موجودی و کالایی متعلق به مرد تلقی میکند. این بینش و این برخورد فوق ارتجاعی و ماقبل قرون وسطایی به زن بیش از چهار دهه است که تبدیل شده است به یک امر حکومتی، قانونی، و اخلاقی. از سر منبر و محراب و تلویزیون و رادیو و نشریات و غیره مدام دارند از اینکه زن ناموس مرد است و اهمیت حجاب و عفت و غیرت و غیره صحبت میکنند. طبعاً در چنین جامعه ای قتل‌های ناموسی گسترش پیدا میکند.

قتل ناموسی شنیع‌ترین و وحشیانه‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین جنبه بی‌حقوقی زن در جامعه است ولی جنایتهای دیگری هم علیه

زنان هر روز رخ میدهد مثل کودک همسری و یا در واقع تجاوز شرعی به دختر بچه ها که به نحوی به قتل‌های ناموسی هم مربوط میشود. آمار نشان میدهد که بسیاری از زنانی که به این بوسیله شوهران و یا پدران‌شان کشته شده اند در سنین کودکی مجبور به ازدواج شده اند. میخواهم بگویم که ازدواج شرعی یا همان تجاوز جنسی به دختر بچه ها یک جنبه مکمل جنایت دیگری است که قتل‌های ناموسی نامیده میشود. اسلام و حکومت اسلامی زن را به عنوان کالای جنسی متعلق به مرد در نظر میگیرد و همه این جنایتهای وحشیانه بنظر من از اینجا ناشی میشود.

خلیل کیوان: در این میان فرهنگ چه نقشی

دارد؟ گاه‌ها شنیده میشود که فرهنگ‌های متفاوتی در بخش‌های مختلف ایران داریم و باید اینرا برسمیت شناخت. جواب شما به این توجی‌هات چه است؟

حمید تقوایی: بنظر من این مساله به فرهنگ مربوط نمیشود. بله، ممکن است افرادی واقعا این عقاید را داشته باشند که باید از ناموس دفاع کرد. عفت و غیرت و ناموس پرستی و غیره ممکن است جزو اعتقادات اقلیتی در جامعه باشد ولی حتی همین نوع تفکر هم خودش حاصل یک نوع تبلیغات، یک نوع سلطه اخلاقیات، یک نوع جهت‌گیری‌ها، یک نوع موعظه‌های اخلاقی است که همه‌اش از حکومت اسلامی برمیخیزد. یعنی حتی اگر

فرض کنیم که بخش‌ها این قتلها بخاطر فرهنگ مردان خانواده است، خود این فرهنگ حاصل جمهوری اسلامی است.

ولی حتی اساس بحث این نیست. بنظر من قضیه این نیست که یک بخشی از جامعه فرهنگ عقب مانده ای دارد. اساس مساله تقابل فرهنگ پیشرفته مردم با ارزشهای پوسیده اسلامی رژیم حاکم است. مردم ایران علی العموم خواهان مدرنترین، پیشرفته ترین و انسانی ترین روابط و مناسبات هستند. این را بارها و بارها جامعه نشان داده است. زیر همین سلطه سیاه اسلام و جمهوری اسلامی می بینید که چطور زنان و دختران دیوارهای آپارتاید جنسی را در هم میشکنند، علیه حجاب

ایستاده اند، علیه سلطه مردان بر زندگی شان ایستاده اند، خواهان شرکت در ورزشگاهها و در تمام فعالیتهای اجتماعی هستند و غیره. از همان روز اولی که جمهوری اسلامی روی کار آمد جامعه بهیچوجه فرهنگ و اخلاقیات پوسیده اسلامی را نپذیرفت. خواستهها و آمال جامعه درست در جهت عکس آن تصویری است که جمهوری اسلامی از زنان ترسیم میکند. چه مرد و چه زن خواهان یک زندگی انسانی هستند. خواهان این هستند که در قوانین و از نظر اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به عنوان انسانهای برابر برسمیت شناخته شوند. این را ما در جنبشهای اعتراضی می بینیم، در شعارها می بینیم، در شرکت وسیع زنان در اعتراضات می بینیم، در خیزشهای

شهری می بینیم. همه چیز حاکی از این است که فرهنگ رایج در جامعه ضد معیارهای اسلامی و ضد اخلاقیات پوسیده و عقب مانده و مردسالارانه و ارتجاعی است که حکومت تلاش دارد در جامعه اشاعه بدهد. آنچه که از ارگانها و تریبون های رسمی حکومتی تبلیغ میکنند چیزی نیست جز آپارتاید و تبعیض جنسیتی، نفرت پراکنی، و زن ستیزی سیستماتیک. در واقع ما با دو نوع فرهنگ روبرو هستیم، فرهنگ پیشرو اکثریت قاطع مردم و یک فرهنگ رسمی دولتی بغایت ارتجاعی و ضد زن. این یک عرصه و یک جبهه مبارزه و درگیری بین کل جامعه و جمهوری اسلامی است.

خلیل کیوان: این دیدگاهی که تفاوت های

فرهنگی را به عنوان ریشه مسائل میداند
مختص به ایران نیست. حتی در غرب هم که
زنان از حقوق و وضعیت بهتری برخوردار
هستند نسبت به این جنایات به دیده اغماض
نگاه میکنند، با دید نسبت فرهنگی میگویند
که خوب فرهنگها متفاوت است. میدانم که
خواهید گفت که این یک چرخشی در دید
جنبش زنان در غرب است که از ارزشهای
جهان شمول انسانی پا پس کشیده است ولی
چرا در خود غرب چنین نگرشی میدان پیدا
کرده است؟

حمید تقوائی: این مساله ریشه اش برمیگردد
به یک نوع تفکر و فلسفه ارتجاعی که پست
مدرنیسم نامیده میشود و متاسفانه عده ای

هم با لباس چپ به آن مبتلا شده اند. نسبت فرهنگی و مالتی کالچرالیزم در واقع بخشی از پست مدرنیسم است که اگر در زمینه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی هم یک نوع سیر قهقرائی به ماقبل جوامع و ارزشهای مدنی، به قرون وسطی، را نمایندگی میکند. پست مدرنیسم از نظر فرهنگی کلا ارزشهای جهان شمول انسانی را نفی میکند و معتقد است انسانها بسته به اینکه چه سابقه ملی، سابقه تاریخی، مذهبی، قومی و نژادی داشته باشند ارزشهای متفاوتی دارند. این نظریه ماهیتا ارتجاعی است چون ارزشهای انسانی را انکار میکند. جامعه انسانی نمیتواند به رنگ پوست یا مذاهب و یا به خصوصیات عاریتی دیگر که مردم در جامعه کسب کرده اند رجوع کند بلکه فقط میتواند

به ماهیت یکسان و واحد و جهانشمول انسانی متکی باشد. آزادی، رفاه، برابری، و منزلت انسانی، بخصوص در این بحث اینکه زن به عنوان انسان مستقل برسمیت شناخته شود، اینها همه بخشهایی از فرهنگ جهانشمول انسانی است. کشور و ملیت و تاریخ و مذهب قوم غیره بر نمیدارد. این ارزشهای انسانی کاملاً در مقابل تز ارتجاعی نسبیت فرهنگی قرار میگیرند. به نظر من نسبیت فرهنگی یعنی انکار انسان بودن انسانها. نسبیت فرهنگی یعنی انکار اینکه انسانها در سراسر جهان آمال، آرزوها و خواسته های یکسانی دارند، و از خوشبختی از بدبختی، از تبعیض، از نابسامانی های اجتماعی از تفاوتها، تصویر و درک مشترکی دارند. از آنجا که انسانها نیازهای

واحدی دارند ارزشها و آرمانهای واحدی هم دارند. مدام در برابر تر ارتجاعی نسبت فرهنگی و مالتی کالچرالیسم باید ارزشهای انسانی را برجسته کرد. این بخش مهمی از تبلیغات و فعالیت حزب ما است و فکر میکنم هر انسان آزادیخواهی در دنیا با ما همراه است.

تا آنجا که به ایران مربوط میشود هر چه بیشتر شما بر مذهب و تعصبات و اخلاقیات پوسیده مذهبی، بر ناسیونالیسم، بر هویت‌های قومی و نژادی و غیره تاکید کنید از آرمانهای انسانی دور میشوید و خواه ناخواه در کنار جمهوری اسلامی و کلا نیروهای اسلامی قرار می‌گیرید که متأسفانه در منطقه به پیش رانده شده‌اند و هر روز دارند بویژه علیه زنان جنایت میکنند.

باید مدام تاکید کرد که با هیچ پرچم دیگری
بجز انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی،
با ملی گرایی، قومگرایی، نژادگرایی نمیشود
به جنگ اسلامیسیم و جمهوری اسلامی رفت.
برعکس پست مدرنیسم با تئوریزه و توجیه
کردن تبعیضات ملی و قومی و مذهب و نژادی
و اتنیکی، کمک میکند به تثبیت حکومت‌های
فوق ارتجاعی ای نظیر جمهوری اسلامی. ما
باید تمام قد، پیگیر و با قاطعیت علیه تزهایی
شبيه نسبیت فرهنگی بایستیم تا بتواند جامعه
روی آزادی ببیند و بخصوص زنان بتوانند آزاد
شوند.

خلیل کیوان: در ایران با پدیده ازدواج‌های

سفید روبرو هستیم که فغان سران حکومتی را درآورده است. دختران و پسران زیادی روابط آزادانه را تجربه میکنند و به این نحو فرهنگ اسلامی را در واقع به چالش میکشند و با آن مقابله میکنند. از این وضعیت و فرهنگ نوینی که دختران و پسران در حال ساختن آن هستند چه ارزیابی ای دارید؟

حمید تقوایی: بله نمونه های زیادی است که نشان میدهد فرهنگ جامعه تا چه حد پیشرو است. بگذارید که از همین نمونه ازدواج سفید شروع کنیم. اخیرا در جشنواره فیلم فجر که جمهوری اسلامی براه انداخته بود یک فیلمنامه نویس زن از این سخن گفت که فرزندی که حاصل عشق باشد حلال زاده است

و این جنجالی به پا کرد. آخوندها به دست و پا افتادند و بالاخره مجبورش کردند که بنحوی حرفش را رفع و رجوع کند، ولی حرف دلش همانی بود که زد. این آخرین نمونه است که نشان میدهد فرهنگ جامعه تا آنجا ارتقا یافته که حتی به مساله عقد و ازدواج شرعی هم معتقد نیست.

این فقط یک نمونه است و نشان میدهد که چطور فرهنگ جامعه در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفته است. هر چه بیشتر جمهوری اسلامی به مذهب و دخالت مذهب در زندگی خصوصی و ازدواج شرعی کودکان و تجاوز به کودکان تحت نام ازدواج شرعی و غیره تاکید میکند و آنرا میخواهد در جامعه اشاعه بدهد، جامعه

جهت برعکس را طی میکند. امروز دیگر حتی عقد و ازدواجی که در دوره قبل از جمهوری اسلامی یک چیز عادی بود و کسی به چالش نمیکشید، به زیر سوال رفته است. امروز زندگی مشترک بدون ازدواج کاملاً رواج پیدا کرده؛ امری که اصطلاحاً ازدواج سفید نامیده میشود. این نمونه‌ای از ایستادگی زنان در برابر اخلاقیات عقب مانده است. بروزات دیگر این تعرض جامعه را امروز در حمله به آخوندها در خیابانها می بینیم، در نقل و نبات نثار کردن اسلام و دشنام دادن به اسلام از جانب زنان می بینیم و در شرکت وسیع زنان در جلوی صف اعتراضات می بینیم. همه اینها یعنی به چالش کشیدن فرهنگ زن ستیز جمهوری اسلامی. نمونه های فراوانی در این زمینه وجود دارد

که بر این واقعیت، که در سؤال قبلی توضیح دادم، تاکید میکند که فرهنگ جامعه کاملاً در نقطه مقابل فرهنگ اسلامی است که رژیم سعی میکند به مردم تحمیل کند.

خلیل کیوان: ما جنبشهای قدرتمندی را در جامعه داریم، جنبش معلمان یکی از این نمونه‌هاست در همین روزهای گذشته سخنرانان زنی در این تجمعات شرکت داشتند که سخنرانی‌های بسیار غرایی داشتند. از جمله در بوشهر علیه قتل ناموسی، علیه کودک همسری صحبت کردند و گفتند که مقصر اصلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی است. سوال من از شما این است که نقش این جنبشهای اجتماعی از جمله جنبش معلمان را در مبارزه

با بی حقوقی زن چطور میبینید و چه توصیه ای برای این جنبشها دارید از جمله جنبش معلمان که فی الحال در خیابان ها در جریان است؟

حمید تقوائی: اجازه بدهید که ابتدا در یک سطح عمومی موضوع را بررسی کنیم. در ادامه به جنبش معلمان نیز بطور ویژه میپردازم.

جنبشهای وسیعی امروز در جامعه جاری است که تقریبا در همه آنها زنان نقش کلیدی دارند. مثلا میتوان به جنبش دادخواهی اشاره کرد. میدانید که مادران خاوران و مادران آبان دو محور اصلی این جنبش هستند و در دادگاه هایی مثل ایران تریبونال که در دو مرحله در

خارج کشور برگزار شد و همینطور در دادگاه های دیگری که علیه جمهوری اسلامی تشکیل شد زنان به عنوان شاهد، به عنوان کسانی که کیفرخواست جامعه را علیه جنایتکاران حاکم اعلام میکنند، چقدر جسورانه، چقدر رادیکال در برابر جمهوری اسلامی ایستادند، و خواهان محاکمه سران حکومت شدند. همچنین در جریان انتخابات رئیسی دیدیم که مادران خاوران و مادران آبان با اسم و رسم اعلام کردند رای ما سرنگونی است. میخواهم بگویم زنان نقش برجسته ای در جنبش سرنگونی و در جنبش دادخواهی ایفا میکنند. آخرین نمونه این نقش پیشرو زنان جنبش جاری معلمان است که اولاً خیلی تعرضی و گسترده و رادیکال دارد به پیش میرود و ثانیاً می بینیم

که زنان در صف مقدم این حرکت هستند. من فراخوانم این است و فکر میکنم که جامعه هم به همین جهت میرود که جنبشهای جاری از جمله جنبش معلمان، جنبش بازنشستگان که آنهم در سطح وسیعی به خیابان آمده است، و حرکتهای دیگر اعتراضی مردم، جنبش دادخواهی، جنبش دفاع از زندانیان سیاسی، جنبش کارگری و غیره الان که به هشت مارس نزدیک میشویم باید پرچم آزادی زن را بلند کنند. پرچم برابری بدون چون چرای زنان و مردان در جامعه علیه آپارتاید جنسیتی، علیه بخصوص قتلهای ناموسی و جنایتهایی که به این ترتیب علیه زنان روا میشود، علیه این ناموس پرستی با اعلام اینکه زن کالای جنسی نیست، زن مایملک و در قیمومیت شوهر و پدر و برادر

نیست، زن انسان است. پنجاه درصد جامعه باید از این قید و بند فوق ارتجاعی که اسلام بر دست و پای او پیچیده خلاص بشود، رها بشود. اینها پیامی است که من فکر میکنم جنبشهای جاری و بخصوص جنبش معلمان که الان در سطح گسترده ای دارد حرکت میکند و زنان در آن نقش برجسته ای دارند میتوانند رو به جامعه اعلام کند. فعالین، سمن ها، نهادها، ان جی او ها، کمیته ها، انجمنها و کلا تشکلهای و نهادهای مترقی که در جامعه فعال هستند، در جنبش معلمان فعالند، در جنبش دادخواهی فعالند، در جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی فعالند، در جنبش بازنشستگی فعالند، در جنبش زنان علیه حجاب، علیه آپارتاید جنسیتی فعال هستند، همه اینها به مناسبت هشت مارس

باید با فراخوانها با اطلاعیه ها با کلیپها در فضای مجازی، در سطح خیابان قدر است کنند، جلو بیایند و یکصدا در هشت مارس از حقوق زنان دفاع کنند و خواهان برابری کامل و رفع تبعیض جنسیتی در جامعه ایران بشوند. این بنظر من ممکن است و امیدوارم این جنبشها به این طرف حرکت کنند.

۲۳ فوریه ۲۲

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام